

در ادامه انقلاب برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی:

# جمهوری اسلامی مبارک باد

۳

سال اول

فروردین ۱۳۵۸  
هفته دوم

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

شماره ۱۰ ریال

## در لاله زار سرخ شهیدان

گذارده بودند و به روی سنگ قبر شهید حک شده بود: "برومنی صفائی، واعظ زاده، سلیمانی عضو سازمان انقلابی که در زیر شکنجه‌ی ساواک بشهادت رسیدند." و عکسهای بزرگی زرفقا در میان لاله‌های سرخ بچشم میخورد. شهدای خلق جان خود را برای استقلال و آزادی میهن فدا کردند و با نثار خون خود به امپریالیست‌ها ضربه زدند. اما اکنون دو ابر - قدرت آمریکا و روسیه به توطئه گری‌های خود علیه انقلاب اسلامی ادامه می‌دهند. یاد شهیدانمان را با ادامه مبارزه علیه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه زننده و گرامی داریم.

بهشت زهرا در ۱۳ اسفند شاهد گردهمایی هزاران هزار تنده‌های مردم با دستها و بغلها تنی زلاله‌های سرخ بود. در اجتماع پر شور مردم در قطعه‌ی ۱۷، سخنرانی، از نقش شهیدان در تاریخ سخن گفت و سپس اسقف "کاپوچی" عضو افتخاری هیئت اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و اسقف بیت المقدس از همبستگی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی با انقلاب ملی خلق فلسطین یاد کرد. سپس پاسداران انقلاب در حالیکه تفنگهای خود را با نوارهای قرمز تزئین کرده بودند در ژبه رفتند و احترامات نظامی بجا آوردند. در قطعه‌ی ۳۹ بر مزار شهدای سازمان انقلابی لاله‌های سرخ

## دست آمریکا و روسیه از ایران کوتاه!

آیا تاریخ با ردیگر تکرار خواهد شد؟ آیا انقلاب پیروز مندا سلامی ما شکست خواهد خورد؟ توطئه‌های گوناگون امپریالیست‌ها با لخره ۲۸ مردادی را بوجود آورد و حکومت ملی مصدق سرنگون شد و نهضت ضدا امپریالیستی میهن ما موقتا شکست خورد. آیا مردم ما این درس بزرگ را فراموش کرده اند و این بار هم به امپریالیست‌ها اجازه خواهند داد تا جمهوری اسلامی ما را واژگون سازند؟ تمام شواهد حاکی از آنستکه آمریکا و روسیه در ادامه‌ی توطئه‌گری‌های قبلی خود، به حادثه آفرینی بر ضد انقلاب مردم ما مشغولند، امری که امام خمینی بارها در این مورد تذکر داده‌اند. این دو ابر قدرت توسط عمال بومی خود، از زمان پیروزی انقلاب تا بحال، جریانات مختلفی را به اشکال گوناگون برپا داشته‌اند. در زیر به پاره‌ای از این توطئه‌ها و حادثه آفرینی‌ها اشاره میکنیم. \* ایچا دشیکه‌های شایعه پراکنی در سراسر ایران - از جمله رواج دادن شایعات زیادی درباره اختلافات میان روحانیون، میان دولت و امام خمینی و یا کارزار بزرگ شایعه پراکنی در حوادث

دو هفته پیش میشود

آغاز فعالیت علنی

گزارشی از:

انقلاب

# ترکمن صحرا

رفقا و طرفداران زیادی از شهرهای دور در این جلسه شرکت داشتند و با سادگان محلی (کمیته امام) هم صمیمانه کمک و شرکت نمودند.

جلسه در شور و شوق عظیم شرکت کنندگان شروع شد و پس از خیر مقدم سرود "پیوستن" که شعر آن از شهید گلبرخی است توسط دسته‌ی کراچا شد و سپس پدر رفیق شهید جلال دهقان، شعر را که شکوه طوافچیان سروده بود و جلال قبل از شهادتش آنرا برای پدر خوانده بود، قرائت نموده، آنگاه برادر رفیق شهید تقی سلیمانی به نمایندگی از طرف مادرش نطقی ایراد کرد.

در قسمت بعد، از طرف تشکیلات گیلان رساله‌ای در معرفی تاریخچه ۱۵ ساله سازمان انقلابی قرائت گردید و بدنبال آن دو قطعه شعر در زمینه پیوند توده‌ای و یابود

در روز سه شنبه هفتم فروردین ماه، تشکیلات گیلان سازمان انقلابی با برگزاری یک جلسه وسیع در شهر رشت کار علنی خود را آغاز کرد. این اولین تماس وسیع علنی سازمان انقلابی با توده‌های خلق در تاریخ ۱۵ ساله سازمان بود که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و جانفشانی‌های هزار تن از شهدای خلق بدست آمده است. در این جلسه در حدود هزار تن از زحماتکشان شهرونده، زنان و دختران شرکت کرده بودند.

سالن جلسه که در محل سازمان ملی جوانان (کاخ جوانان سابق) قرار داشته با عکسهای از امام خمینی، شهدای انقلابی و رفقای شهید سازمان انقلابی: پرویز واعظ زاده مرجانی، خسرو صفائی، گرسینوز برومند، شکوه طوافچیان، وفا جاسمی، محمد تقی سلیمانی و بشیر خسرو و شاعرهای زیرین تزئین شده بود:

- \* در ادامه مبارزه بخاطر استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی به جمهوری اسلامی رای دهیم.
- \* نه آمریکا نه روسیه، ایرانی مستقل و متکی بخود.
- \* اتحاد بزرگ خلقی به رهبری امام خمینی را تحکیم نموده و توطئه دشمنان انقلاب را در هم شکنیم.
- \* در بهار آزادی، جای شهدا خالی است.

- \* روبرویونیم را انتقاد و طرد کنیم، حزب طبقه کارگر را ایجاد نمائیم.
- \* پیروز باد سازمان انقلابی.
- \* در برابر خرابکاری، در برابر با زماندگان رژیم سابق و امپریالیسم آمریکا مبارزه انقلابی قاطع و همه جانبه بجا آوریم و در برابر نفوذ امپریالیسم روس و عمال آن هوشیار بوده از خطر جدی آن غافل نشویم!

ترکمن صحرا، منطقه حساسی از کشور ما است. سکونت نزدیک به یک میلیون ترکمن که عمدتاً در این منطقه‌ی ترکمن نشین سکنی دارند، موجود بودن پنج میلیون ترکمن در ترکمنستان شوروی که تحت ستم ملی‌شدید بسرمیبرند موجود بودن خواست ترکمن‌ها در احیای فرهنگ ملی خویش، پایداری صد هفتاد و یک ساله ترکمن به زمین‌های که در سالهای سلطه امپریالیسم از جانب سلسله‌ی طاغوتی پهلوی تصاحب شده، جوان بودن انقلاب ما که هنوز در کار ریشه‌کن ساختن ایادی عناصروایسته به طاغوت و جاسوسان آمریکا است و اشتیاق تزارهای کرملین نشین هم مرزها ما در این منطقه که سالهاست رویای

تصاحب خاک میهن ما را در سر می‌پرورانند و فعال بودن جاسوسان بومی و روسی آنها در میهن ما همه و همه حساسیت این منطقه از میهن ما را باعث شده است.

توده‌های وسیع خلق ترکمن از سه طریق امرار معاش میکنند. عده‌ای محدود که در مناطق بندری سکنی دارند، صیادان ماهی هستند که شیلات نشان را برید، دستگیر و سرکوبشان کرد و از پیروزی انقلاب باید به حقوق حقه‌ی خود یعنی: استخدام رسمی صیادان بیمه، مسکن و... دست یابند. گروه دیگری از این توده‌ی وسیع به کار کشاورزی پرداخته بود که زمین‌هایشان توسط رژیم شاه و انگلیس‌ها در باری غصب شد و به

کارگران روزمزد به روی زمین خود تبدیل شدند و با زگردادن زمین به این کشاورزان مسئله‌ی مرکزی دهقانان ترکمن است و گروه کثیری از آنان نیز در مدار هستند که ملی کردن مراعات و... تیشه به ریشه‌شان زده است.

با توجه به چنین زمینه‌ایست که با پیدا و ضاع و حوادث اخیر منطقه ترکمن صحرا را مورد بررسی قرار داد نیروهای سیاسی موجود در این منطقه بعد از پیروزی انقلاب:

۱- کمیته‌های انقلاب - این کمیته‌ها علیرغم اینکه اکثریت ساکنین شهرها را ترکمن‌ها تشکیل میدهند عمدتاً از غیر ترکمن‌ها تشکیل شده بود و در ثانی درصد این کمیته‌ها اشخاصی بودند که نه بقیه در صفحه دوم

## "جبهه متحد خلق" حزب توده:

## تلاشی در خدمت امپریالیسم روسیه

کمیته مرکزی حزب توده اخیراً در پلنوم ۱۶ (اسفند ۵۷) خود ایجاد یک "جبهه متحد خلق" را با شرکت نیروهای فعال انقلابی که تحت رهبری آیت الله خمینی هستند، با "سازمان مجاهدین خلق" و نیز با "سازمان چریک‌های فدائی خلق"، "گروه‌های مترقی روشنفکران" و "بخش دمکراتیک سرمایه‌داری ملی" در برابر "تلاشهای سازشکارانه جناح سرمایه‌داری لیبرال" مطرح ساخت.

کمیته مرکزی حزب توده ضمن تشکر و امتنان از خود در مصوبات این پلنوم ادعا نمود که "شعارهای اعلامیه تاریخی ۱۲ شهریور ۱۳۵۷" اش، خواسته‌های عمومی جنبش خلق را مطرح ساخته است (جل الخالق!!) و حال آنها در فکر "آینده" کشور هستند و "نگران" اینکه چکار باید بکنند تا با زهم "خواسته‌های عمومی جنبش را در آینده" همین گردانندگان "حزب طبقه کارگر" مطرح سازند و بنا بر رسالت تاریخی‌ای که در قبضه‌ی آنهاست، در بیان روسی خود دارند، خط مشی سیاسی جنبش را معین نمایند؟ مسلماً برای کسانی که بیش از یک ربع قرن - در زمانیکه مردم ما در زیر شدیدترین اختناق‌ها و سرکوب‌ها مبارزه میکردند - در هتل‌ها و بیه اصطلاح خانه‌های حزبی (که البته بهتر است گفته شود جاسوس خانه‌های شوروی) لنگرانداخته و کنگر می‌خورند و از بس که "درفکر" مردم ایران بودند خواب به چشمتان نمی‌آید "حق" داد که چون فرستادگان امپراتور روس بیایند و مسائل جامعه ما را حل کنند! انمونه راه حل‌های آنها را در زیر مطالعه میکنیم:



استقلال کامل میهن و مبارزه علیه توطئه‌های دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه است و برای این مبارزه باید وحدت بزرگ خلق را گسترش داد و تحکیم نمود و طرح مسائل فرعی، بزرگ کردن کمبودها، طرح خواسته‌های دمکراتیک جدا از مبارزه بخاطر استقلال و یابودت، بخاطر تضعیف آن و تحریم و یابودت - با عمال جمهوری اسلامی نادرست بسوده بقیه در صفحه دوم

رفیق بشیر خواننده شد، سپس دسته گرسرو و گلکلهای سرخ را اجرا کرد و دسته کرمتشکل از جوانان محلی یک سرود محلی اجرا کرد. آنگاه رفیق علی صادقی عضو رهبری سازمان انقلابی طی سخنرانی جامعی به تشریح نقطه نظرات اساسی و مواضع سیاسی و - بر نامه‌های سازمان انقلابی پرداخت و تاکید کرد که مسئله اساسی میهن ما در واقع کنونی مبارزه برای بدست آوردن



شعبه یاسنی، از منسی یا یهودی، از هر مسلک، متحد ساخت. آنها را زیر پرچم استقلال با شعار نه آمریکا نه روسیه متشکل ساخت. و تا این امر صورت نگیرد خطر شکست انقلاب موجود است.

سازمان انقلابی، با توجه به این شرایط حساس و توطئه گری های دوا بر قدرت معتقد است که با پیوستن وضعیت را برای توده های وسیع مردم روشن ساخت، و متحدان بر علیه خرابکاری های آمریکا و روسیه در ایران دست بیک تعرض وسیع زد. بدین خاطر سازمان انقلابی در روز جمعه ۲۴ فروردین، مطابق با ۱۵ جمادی الاول، در ساعت ۱۰ صبح (محل بعداً اعلام خواهد شد)، اجتماعی جهت افشای و محکوم ساختن توطئه ها و جنایات ابرقدرتها برگزار خواهد کرد. ما از کلیه مردم آزاده ی تهران دعوت میکنیم با شرکت در این گردهم آیی نفرت و انزجار خود را از دشمنان خلق، از امپریالیستهای آمریکائی و روسی ابراز داشته و به دفاع از استقلال میهنمان بپردازند.

**بقیه از سازمان انقلابی در**

و هدفی جز تضعیف دولت موقت و سرپوش گذاشتن به روی تضاد عمده یعنی تضاد بین خلق و امپریالیستها ندارد.

در بیرون از محل برگزاری این جلسه پر شور، معدودی عناصر و مانده و معلول الحال وابسته به کمیته مرکزی حزب توده، جهت اخلاص و خرابکاری به دست و پا افتاده و بالجن پراکنسی و سمپاشی قصد تخریب در جلسه را داشتند، اما تلاش آنها جز رسوائی و شکست حاصلی برایشان نداشت. فریادیکدل و یکزبان شرکت کنندگان با شعار: "نه آمریکا، نه روسیه، ایرانی مستقل و متکی بخود" هنگام ترک جلسه، مشت محکمی بود که بردها را این پادوهای امپریالیسم روس کوبیده شد.

پس از پایان جلسه شور و شوق فراوانی در میان حضار دیده میشد تا مدت ها بحث و سوالات کناری ادامه داشت و با علاقمندی به گفتگوها توجه میشد. اکثر شرکت کنندگان برای اولین بار با نام سازمان انقلابی آشنا شده بودند و عده ای دیگر برای شناخت بیشتر از سازمان شرکت نموده بودند. زحمات و فعالیت های پیگیر رفقای تشکیلات گیلان برای تدارک و برگزاری موفقیت آمیز این جلسه بسیار ارزنده و موثر بود، یقیناً با تلاش پیگیر و تکیه به نیروی لایزال توده ها تشکیلات نوپای گیلان قادر خواهد شد قدم بقدم دایره بسیج و تشکلیات توده های خلق و بویژه زحمتکشان گیلان را بدور سازمان گسترده نموده و به ستاد رزمنده و پیشرو فعالیت های انقلابی این استان تبدیل گردد.

**بقیه از از وحدت خلق...**

کنیم و در ضمن مصالحه ای هم با او در مورد اوضاع و احوال شهر صنعتی البرز در قزوین و کارخانه ها را کردیم که خلاصه ای از آنرا در همین شماره "رنجبر" میخوانید. اما نکته مهم و اساسی در اینجا مبارزه با عناصر ضد انقلابی در پوشش های رنگارنگ - و در این مورد اسلحه است.

امام خمینی در تمام گفتارهایش، از وحدت کلمه خلق سخن گفته و مردم را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی تشویق کرده اند. این کارگرمبارز در محیط کارخانه نیز به گفته خود همیشه برای جنبش اسلامی برهبری ما خمینی دست به تبلیغ زده و به دعوت امام پاسخ مثبت داده است.

در چنین شرایطی اخراج این کارگرمبارز با توطئه یک عنصر مزدور رژیم سابق از طرف کمیته امام در جهت کلامتفاسات و متضاد با گفتارهای امام خمینی قرار دارد و روشن میسازد که برای تحکیم وحدت خلق باید ضد انقلاب را در هر لباسی تصفیه و سرکوب کرد، فریب ظواهر آنها را نخورد، معیار سیاسی بکار برد و با کلیه عناصر مبارز ملی متحد شد و گرنه چنین عملی آب به آسیاب دشمن - امپریالیست های آمریکا و روسیه - میریزد و حیثیت جنبش اسلامی را ملوث میکند.

**ادرس موقت:**

**تهران امیریه جنب انتظام**  
**جنب آرایشگاه پلاک ۸۷۹**  
**کتابفروشی**

خطهای ایران آغشته است امروز در لباس "دوست" خلق ترکمن و گاه در این جنبه و گاه در جنبه دیگر بتوسط عمالشان آتش مبارزه را علیه دولت ملی مهندس بازرگان دا من میزنند. این عناصر از همه امکانات خویش در اینجا غتشاش و آشوبی که فقط و فقط به نفع امپریالیسم است استفاده میکنند.

۴- امپریالیسم روس، جا - سوسان روسی و بومی آن؛ رادیو عشق آباد ترکمنستان شوروی روزی نیست که ترکمن ها را به جنگ داخلی دعوت نکند، رادیوئی که سالها خود در از بین بردن فرهنگ ترکمنی غرور ترکمن و... میکوشید و روس و ملت روس را برتر از همه میخواند

۱- امروز از غیرت ترکمنها، استقامت و پایداریشان سخن میگوید.

۲- مرزبانان روسی این مناطق ناگهان همه ترکمن میشوند، مرزهای بسته روسیه ناگهان با آغوش باز به استقبال ترکمنها میآیند، ترکمنهای روس زبان اینجا و آنجا سرازیر میان ترکمنها بیرون میآوردند، نغمه های روسیه بما هر کمکی خواهد کرد، "برق بخواهیم آب بخواهیم روسیه میدهد" از جانب این جاسوسان و خائنین شنیده میشود. حال آنکه اگر از ستم ملی که بر خلق ترکمن در روسیه میشود، اگر از بیگاری که دهها قین ترکمنی در ترکمنستان محتمل میشوند و... بخواهی بشنوی باید از یک ترکمن بپرسی که چرا قوم و خویش او در زیر این ستم در روسیه جان میدهد. عوامل امپریالیسم روسیه تبلیغ میکنند که آغوش بر که های پر ما هی ترکمنستان بروی صیادان تراکمه در ایران باز است. خلاصه به هر طریق ممکن تزارهای کرملین نشین به این غتشاش دا من میزنند، روزی با اسلحه کلاشکف، روزی با رادیو عشق آباد، اما با بیدر نظر داشت که اکثریت توده های خلق ترکمن روسیه را بهتر از هر کس میشناسند و امپریالیستی بودن روسیه بر آنان هزار بار روشنتر است تا برای روشن فکران زندانی در کتایبها، چرا که فرقی میان وضع خودشان در زمان طاغوت و قوم و خویششان در ترکمنستان شوروی نمی بینند.

با توجه به این اوضاع و وصف - بندی نیروهای فوق الذکر است که باید وقایع یکی دو هفته ای اخیر را مورد بررسی قرار داد.

تمرکز و وقایع اخیر در مناطقی ترکمن نشین و عمدتاً در سه شهر گنبدکاووس، پهلوی دژ سابق (آق قلعه) و بندر شاه سابق (بندر ترکمن) بود و امروز گنبدکاووس به شهر جنگ زده ای تبدیل شده است، زد و خوردهای کتونی زبندرشاه سابق آغا زگردید، کمیته ای این شهر علی رغم اینکه اکثریت قاطع مردم شهر را ترکمن ها تشکیل میدهند از افراد غیر ترکمن و حتی غیر محلی تشکیل شده بود، این کمیته که تحت نظر کمیته ای انقلاب در گرگان فعلی - لیت میکرد، جوانان ترکمن را در پاسداری از انقلاب شرکت نمیدهد و حتی برخی از افراد این کمیته اختلافات میان فارس و ترکمن را دا من میزنند که زمینه خوبی برای خائنین و عوامل بیگانه و اخلالگران در اینجا دحوادث اخیر این منطقه میگردد. ترکمن ها به این وضع اعتراض نموده و در پی آن آقای شریعتی نماینده امام خمینی از تهران عازم بندر شاه سابق میگردند ولی با خواست ترکمن ها مبنی بر شرکت در کمیته ای اسلامی موافقت نمیشود و در پی تظاهراتی که در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۵۷ در بندر شاه سابق انجام میگردد، در روز بعد اجتماعی در میدان نماز عید فطری این شهر انجام میگردد که در آن بیش از ۱۰ هزار نفر از ساکنان بندر و اوپاها (دهات) شرکت می کنند. در این میتینگ خواست ترکمنها مبنی بر شرکت در کمیته های انقلاب ابراز شده و همچنین بندر شاه به بندر ترکمن تغییر نام مییابد. در روز ۱۹ اسفند ۵۷ بهنگامی که جوانی ترکمن تا بلوی بندر شاه را به بندر ترکمن تغییر میداده با مخالفت فردی مواجه میشود که اسم بندر را تبدیل به بندر اسلام میکند جوان ترکمن در زد و خوردی که آنجا صورت میگردد زخمی میشود و هالی بندر به این محل سرازیر شده و مجدداً به وضع موجود اعتراض می کنند. گفته میشود فردی که محرک زد و خورد بوده است از افراد مشکوک بقیه در صفحه سوم

بقیه از نگاهی به ۵۰۰۰

ماهی ۵ تومان می گرفته است. بعلاوه اینکه دفتر کارخانه ماهی هزار تومان با او میداده. پس از اعتصابات دوما همه و پیروزی انقلاب، کارگران هر بخش کارخانه نمایندگان خود را انتخاب کردند (روبهیمرفته ه انفر) اما بعلت متشکل نبودن کارفرما توانست در جلسه‌ای سرهم بندی شده، این نماینده مزدور گذشته را بآرد دیگر بدهد. کارگران تحمیل کند. او اکنون رابط با کمیته امام شده، ریش گذاشته و قرآنی نیز در جیب حاضر دارد و به عوام فریبی می پردازد و برای پیشبرد مقاصد و حفظ مقام خویش از احساسات پاک مذهبی کارگران سوء استفاده می کند. کارگران (به جز ۳-۲ نفر نورچشمی این نماینده که وعده خانه سازی به آنها داده است) مخالف او هستند اما تنها بوده و متشکل نیستند لذا نمیتوانند خواست خود را در تعویض او عملی کنند. اما از طرف دیگر اوضاع برای تصفیه عناصر ضد انقلابی نیز خوبست. جنبش سیاسی و پیروزی بدست آمده تکیه گاه و محیط خوبی را فراهم کرده است. یکسال شرکت در جنبش، آگاهی کارگران را رشد داده است. اکثریت عظیمی از ما هیت نماینده قلبی مزدور مدیریت کارخانه آگاه هستند و خواستار تصفیه آنها. در میان کارگران صحبت هم هست که کارگران بایست بدانند که در این کارخانه چه میگذرد، کارگران میگویند آیا آدمهای بالامیخواهند خودشان را اصلاح کنند، حقوقشان را کم کنند و نوسازی کنند یا نه. اینکه بایست مسالمان را با دولت در میان بگذاریم و این کارو این تصفیه است که دولت را تقویت میکند و موجب رفاه ما میشود. برخورد کارگران به سرپرستان تولید خوبست. میگویند بایسته سرپرستان اجازه بدهید که کار کنند و خودشان را اصلاح کنند، مگر همین یکی دوتا از نایب هاییشان، که باید تصمیم دیگری در باره آنها گرفت. سعی کارگران پیشرو آنست که دعواها و خصومت های قدیمی، شخصی، که

بقیه از "جبهه متحد خلق" حزب توده ۵۰۰۰

آنها برنامه سیاسی "جبهه متحد خلق" را چنین مطرح میسازند:

- ۱- مبارزه برای قطع نفوذ امپریالیست ها.
- ۲- وحدت با شوروی.
- ۳- مبارزه با بورژوازی لیبرال.
- ۴- عمل کردن به "وعده های اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی" آیت الله خمینی توسط دولت ها.
- ۵- بازسازی نظام نوین سیاسی و اجتماعی از جمله بهبود محسوس زندگی مادی و تامین حقوق اجتماعی زحمتکشان شهروده.

بظاهر برنامه های "انقلابی" توسط "رهبران" از آسمان افتاده "حزب طبقه کارگر" مطرح شده و بناید کسی جرات برخورد به این برنامه را داشته باشد. اما بررسی دقیق نکات این برنامه ما را به عمق ماهیت وابسته به بیگانه و مضمحل کننده آنها نزدیک میکند. در دو نکته اول صحبت از مبارزه علیه امپریالیست ها و وحدت با شوروی میشود. سوال میکنیم امپریالیست کیست؟ آیا با شوروی که بزرگترین انحصارهای بوروکراتیک سرمایه داری را دارد و به زندان بزرگ طبقه کارگر و ملیتها ی سراسر روسیه تبدیل گشته، اروپای شرقی را همچون تیولی بملک، طلق خود بدل ساخته و در سراسر دنیا بویژه جهان سوم، در رقابت شدید با آمریکا ست تا مناطق تحت نفوذ خود را بسط داده و جای این امپریالیسم بدنام و ضربه خورده را بگیرد، کشوری که هم اکنون مشغول سرکوب خونین مبارزات آزادی بخش خلقهای افغانستان و ریتراه است میتواند متحد شود؟ مبارزه ضد امپریالیستی "کرد؟ رهبران حزب توده میگویند آری و وقاحت را بجائی میرسانند که در همین پلن سوم گذاشتی ادعا میکنند که "زنهار باش بموقع دولت اتحاد شوروی"، "نقش شگرفی" را در مقابل آمریکا در ایران ایفا کرد و "سیاست پیگرانه اتحاد شوروی" در این زمینه گویا مانع شده که امپریالیسم ما نند روزگار گذشته سیاست توسل علنی به زور را علیه مردم ایران بکار بندد.

این اجنبی پرستان نقش شگرف را در پیروزی انقلاب ایران به خلقهای قهرمان ما و رهبری قاطع امام خمینی، بلکه به دولت شوروی میدهند و در عین حال به عمد دچار "فراموشی" شده از سیاست تزارهای نوین صحبت بمیان می آورند، در حالی که همه میدانیم که برژنف چه پشتیبانی گرمی در ۴۰ آبان از شاه نمود و بعد از اینکه برای اربابان کرملین هم روشن شد که شاه رفتنی است، چه تلاش مذبحخانه ای را برای "اعاده حیثیت" کردند تا مگر از این طریق آبروی بر باد رفته را باز یافته خبیثانه زمینه را برای نشستن در جای آمریکا فراهم سازند. بنا بر این دو نکته اول برنامه سیاسی این "جبهه" سازش میان خلقهای ما با امپریالیسم روسیه را توصیه نموده که خیانتی است بمنافع ملی و استقلال کشور و تبلیغ سیاست انقیاد ملی.

در نکته سوم صحبت از مبارزه با بورژوازی لیبرال است. در ایران بورژوازی لیبرال دیگر چه صیغه ای است؟ بورژوازی ایران بعد از نفوذ امپریالیسم بدو قسمت تقسیم شد: بورژوازی کمپرادور وابسته به امپریالیسم (خصوصی و دولتی) و بورژوازی ملی که تحت ستم امپریالیسم قرار دارد. امروز نیز چنین است و طرح کردن بورژوازی لیبرال آنطور که در اروپا یا روسیه مطرح بودند تنها یک الگوسازی احمقانه است بلکه در عمل کشاندن مردم بطرف مبارزه با بورژوازی ملی است. البته در درون بورژوازی ملی جناح های سازشکار وجود دارند ولی در شرایط کنونی، مبارزه با پادشاه و در درجه اول علیه سرمایه های امپریالیستی و وابسته به آن باشد. در نتیجه دیده میشود که در پشت این شعار هم عملتفرقه افکنی در میان خلق نهفته است.

در نکته چهارم از یکسوز "وعده های" آیت الله خمینی صحبت میشود، و از سوی دیگر از اجرای این "وعده ها" توسط دولت ها، اول آن چه که امام خمینی مطرح ساخته وعده نبوده بلکه خواستهای مبرم مردم ایران میباشد که امام دائما برای اجرای آنها فشاری میسازد.

وبالآخره صحبت از بازسازی نظام نوین سیاسی و اجتماعی میکنند. این فرمول عام را همه میدهند، منتهی مساله اینست: کسانیکه تا به آن حد از نظر ذهنی و عینی انقیاد طلب شده اند که کعبه ای آمال خود را نه در درون دریای بیکران زحمت و رنج، کار و پیکار و سازندگی توده های خلق، بلکه در دست اربابان روسی خود می بینند، چگونه قادرند حقوق این توده ها را درک کرده و تامین نمایند؟

نظری به تاریخ بیاندازیم: رهبری حزب توده وحدت خود را با مصدق در سالهای ۲۴-۱۳۲۳ بعلت عدم دفاع از سیاست موازنه منفی مصدق و طرح سیاست موازنه مثبت خود، بهم زد، در سال ۱۳۲۵ برای رسیدن به آرزوی خود یعنی شرکت در دولت، با قوام السلطنه گفتار پیر استعمار ساخت و با او "جبهه واحد" درست کرد، "جبهه واحد مطبوعاتی" اش در سال های ۲۷-۲۶ سرنوشتی بهتر از قبل نداشت و سرهم بندی ای بود خارج از خواست زمان، جبهه واحد ضد امپریالیستی اش در سالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد هم سرنوشت بهتری نداشت چونگه هدف آن مبارزه با دولت ملی دکتر مصدق بودند سرنوشتی رژیم وابسته شاه. در سالهای دهه ۱۳۴۰ نیز با پذیرفتن "نکات مثبت" اصلاحات نواستعماری آمریکا - شاه بنا بدستور مسکو، تلاش کرد جبهه واحدی را با شاه بوجود آورد و چون دید کارش بجائی نرسید در سالهای ۴۸-۱۳۴۷ در پی ساختن جبهه واحدی با تیمور بختیار جلاد رفت و پنهانی در تدارک آن کوشید و وقتی بعلت افشاکگری نیروهای ملی و انقلابی پرده از این جبهه واحد ننگین با بختیار برداشته شد برای "حفظ آبرو" کاسسه کوزه ها را بر سر آقای رادمش دبیر کل وقت کمیته مرکزی حزب توده شکست و او را خلع نمود اما با این ژست مذبحخانه هم هیچکس را نفریفت و همه دانستند که این مزدوران روسی - در خیانت با خلق حتی به دست بوسی جلاد صدها میهن پرست ایرانی هم میروند.

در دروهی بعدی، یعنی زمانیکه دید رژیم جواب درستی بخواسته های او نداد تلاش کرد تا با حرکت چریکی در ایران، مساله جبهه واحد خود را مطرح کند و با نفوذ عمال خود در این حرکت انشعاب بوجود آورد و بالاخره در زمانیکه تضاد در درون هیات حاکمه و میان رژیم شاه و خلق تشدید شد و امکاناتی برای خزیدن بدرون هیات حاکمه بوجود آمد، شعار "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" را مطرح ساختند، که بجا اوج گیری انقلاب از صحنه رفته شده و به زباله دان تاریخ ریخته شد. کلیه این جبهه های واحد حزب توده بعلت در نظر نگرفتن منافع خلق و ماهیت وابسته به بیگانه حزب توده، عمدتاً با شکست روبه رو شدند، سرنوشت "جبهه متحد خلق" جدیدشان هم بهتر از گذشته نخواهد بود.

هدف اصلی این "جبهه" جدید ایجاد یک جریان سیاسی است تا بدرون سازمانهای خلقی نفوذ کرده و عمال خود را در این سازمانها وارد کنند تا با تکیه به کارآنان در این سازمانها اینگونه تشکیلات را بحمایت از شوروی و سیاستهای امپریالیستی و در ایران بکشاند و اگر موفق نشوند، در این تشکیلات انشعاب بوجود آورند و نیروهای متزلزل در قبال شوروی را سازماندهی کنند و با فشار بدولت او را به سازش با شوروی و تامین منافع امپریالیستی روسیه در ایران وادارند.

در چنین اوضاعی مبارزه با توطئه "جبهه متحد خلق" کمیته مرکزی حزب توده، وظیفه کلیه نیروهای ملی و انقلابی است. این مبارزه بایددر پرتو اصول اساسی زیرین باشد:

- مرز بندی با امپریالیسم با ید روشنی علیه هر دو ابرقصدت آمریکا و روسیه باشد و نه فقط یکی از آنها.

- حمایت از انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی و دولت ملی، در عین طرح انتقادات اصولی از کمبودهایی که به ادامه و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای میهن ماضیه میزند.

- در عین توجه به عمده بودن مبارزه ضد امپریالیستی، انجام مبارزه برای آزادی برای خلق و رفاه زحمتکشان همراه با سرکوب ضد انقلابیون وابسته به بیگانه.

اوضاع برای درهم شکستن توطئه ضد ملی "جبهه متحد خلق" ...

در بهره‌های آنها حرکت، سخنی  
کارگران پیشرو آنستکه دعواها  
و خصومت‌های قدیمی، شخصی، که  
فرعی است و میان کارگران و سر  
پرستان وجود دارد با دعواهای  
اصولی و سیاسی قاطی نشود، با  
اکثریت سرپرستان متحد شوند،  
مهندسین و کارمندان جـزء و  
متوسط نیز با کارفرما و نما ینده  
قلابی تضاد دارند و میتوانند بسا  
کارگران متحد شوند، با اکثریت  
نگهبانان زحمتکش نیز میتوان  
متحد شد و مبارزه را بسوی سمت  
اصولی یعنی تصفیه عناصر ضد  
انقلابی و شرکت کارگران در امور  
کارخانه، نوسازی کارخانه بر  
اساس اقتصاد ملی و غیر وابسته  
و تامین رفاه و معیشت  
کارگران سوق داد.

کارگران بیشتر بحث می  
کنند، درباره همه چیز بویژه  
اوضاع سیاسی و دولت، بیشتر  
روزنامه میخوانند، حتی دیدم  
کارگری صبحانه نمیخورد تا وقت  
آنرا صرف خواندن روزنامه کند،  
اکثریت عظیم از امام خمینی  
حمایت میکنند میگویند به گفته  
امام باید اکنون تولید کردن نظم  
را حفظ نمود تا پس از فرآیند دوم  
و تثبیت اوضاع مسائل دیگر را  
رسیدگی کرد. انتظارات زیادی  
دارند و همه را برای چند ماهه  
آینده انبار کردند. در اینجا  
نیز مانند سایر حوزه‌های  
اجتماعی - سه مسئله اساسی  
مبارزه با امپریالیسم بشکل  
نوسازی صنایع و وابسته بروی خطی  
ملی و متکی به منابع ایران،  
مبارزه با خاطر دموکراسی و شرکت  
در تعیین سرنوشت خود بصورت  
لزوم تصفیه عناصر ضد انقلابی  
با تکیه به شکل کارگران و  
کمک کمیته امام و دولت و مبارزه  
با خطر رفاه کارگران بصورت  
تامین خواسته‌های رفاهی آنان  
وجود دارد. مبارزه‌ای گـه  
مطمئناً پافشاری برری ادامه  
انقلاب و تقویت رهبری امام  
خمینی تکیه بر استقلال کامل  
میهن در هر حوزه زندگی - شکل  
و تکیه بخود و برای حل مسائل  
آموزش سیاسی در مورد منافع  
طبقاتی قدم بقدم پیروزی  
بدست خواهد آورد.

بقیه از ترکمن صحرا . . . . .  
مبارزه دولتی با این همه در کمیته  
بعنوان پاسدار فعالیت داشته  
است. در روز یکشنبه ۲۰ سفند ۵۷ در  
بندر شاه سابق و گنبدتظ هراتی به  
جانبداری از خلق کردانجام میگردد  
با دیدگفت که در تمام این مدت  
اعمال نامدرست کمیته‌ها از یکطرف  
و تهمتها و تحریکات "چپ" های  
قلابی از طرف دیگر که عمدتاً بر علیه  
دولت موقت ملی بوده است فضای  
نامساعدی را ایجاد میکند. در روز  
یکشنبه ۲۰ اسفند ۵۷ نمایندگان  
کمیته انقلاب اسلامی گرگان به  
بندرا عزام میشوند و کمیته سابق  
منحل شده و خلق سلاح میگرد و بیه  
جای آن کمیته‌ای مرکب از هفت  
ترکمن، دو غیر ترکمن و یک قزاق  
تشکیل میگردد.

به موازات این وقایع در بندر  
شاه سابق، در گنبد کاووس، کسه  
تعداد ترکمن‌ها و غیر ترکمن‌ها  
تقریباً برابرند، نیز به اختلافات  
دامن زده میشود.

از پیروزی انقلاب به بعد  
کانونهای فرهنگی - سیاسی خلق  
ترکمن در گنبد فعالیت داشته و  
عده‌ای از "چپ" های قلابی که خود را  
به این کانونها تحمیل کرده اند با  
تهمت‌هایی از قبیل "ارتش ضد خلقی"  
انتصاب نام بودباد - انتخاب  
پیروزی " فضای عدم اعتماد به  
رهبری انقلاب و دولت موقت را  
حاکم میکنند، از طرف دیگر رهبر  
یزدانی و آتابای هم در این روزها  
در گنبد کاووس دیده شده اند که  
مشغول توطئه چینی بودند. بعلاوه  
عوامل حزب توده هم در گنبد در همه  
جا عدم اعتماد به انقلاب و تفرقه  
اندازی را تقویت کرده و همگام و  
همصدا با رادیوی عشق آباد شوروی،  
به آشوب دامن میزنند. در ضمن لازم  
به گفتن است که بعد از ۱۸ اسفند  
۵۷، حملات شبانه‌ای مکرری توسط  
افراد شناخته نشده به پادگان ارتش  
در گنبد انجام میگردد و فعلاً بودن  
عناصر ضد دولت و ضد انقلابی وابسته

چه که امام خمینی مطرح ساخته و عده نبوده بلکه خواسته‌های مردم  
مردم ایران میباشند که امام دانشا برای اجرای آنها پافشاری می  
کنند. چنین برخوردی از طرف حزب توده بخوبی موضع آنان نسبت به  
انقلاب و رهبری آنرا روشن میکند و عدم اعتماد دوریا کاری از آن مبارز  
ثانیا اجرای این وعده‌ها توسط دولت بمفهوم اینست که اگر این آقایان  
در دولت شرکت کنند، این " وعده‌ها " عملی خواهند شد والا فلا!

به آمریکا و روسیه محیطی سرشار  
از تشنج و تفرقه را بوجود میآورد.  
مدارس و بازاری که تفرقه  
میشود، کانون دعوت به اعتصاب  
عمومی میکنند، به ماشین نماینده  
امام، آقای امید که با افراد  
مسلح و بقولی حامل اسلحه و مهمات  
بوده است در روز ۱۷ اسفند حملسه  
میشود، عدم اعتماد اهالی ترکمن  
به آقای امید، بر اهانداخته شدن  
گفتگو و بحث در باب تضاد فارس و  
ترکمن، شیعه و سنی، مساثلی را  
دامن میزند که در طول زندگی مشترک  
این دو خلق در کنار هم هیچگاه  
به این صورت موجود نبوده است. به  
پاسگاه‌های ژاندارمری که موقعیت  
حساسی از لحاظ حفظ استقلال و  
سرکوب عملیات جاسوسی و خراب  
کارانه‌ی سوسیال - امپریالیست  
لیستهای روسی دارند حمله شده و  
خلق سلاح میگردند، با زهره‌های  
مؤاد کمیته‌ی شهر آنچنان که باید  
عمل نمیکند. روزیکشنبه پاسداری  
که قصد دستگیری سیگارفروش -  
ترکمنی را داشته، جرقه‌ای به این  
شکله‌ی باروت میزند.

بعد از این حادثه، تماس -  
آقای امید با زمینداران بزرگ در  
مورد مسئله‌ی ارضی موجب رشد  
بی اعتمادی در میان اهالی ترکمن  
گنبد میشود. جالب اینجاست که  
در این جلسه مذاکره آقای امید  
با زمینداران بزرگ، شخصی بنام  
جعفر بای که برادر جعفر بای نمایند  
تیمسار اویسی (فرمانده نیروی  
زمینی و فرماندار سابق نظامی  
تهران) و از مزدوران رژیم سابق  
بوده ناگهان بلندگوی زحمتکش  
ترکمن میشود و جلسه را محکوم می  
کند. سخنرانی‌های تهدید آمیز  
نمایندگان دولت و آقای امیندیز  
موجب رشد احساسات اهانت به  
آرامنهای فرهنگی و قومی در میان  
اهالی ترکمن میشود.

در همین روز مردم ترکمن برای  
اعتراض به دستگیری سیگارفروش  
بسوی شهر بانی میروند. در اثر

تیراندازی در جلوی شهر بانی که  
گفته میشود از طرف یکی از پاسدا -  
ران انجام گرفته، جوانی بنام  
ازاردردی پور، که ترکمن بوده  
کشته میشود. فردای آن روز یعنی  
دوشنبه ۶ فروردین ۵۸ کانسون  
فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن  
دعوت به میتینگ میکند. ساعت ۲  
بعد از ظهر در محل باغ ملی شهر  
گنبد میتینگ بمنظور اعلام مواضع  
کانون، علت عدم شرکت کانون در  
فرآیند دوم و محکوم نمودن وقایع  
سنندج آغاز میشود. به ارتش پسر  
چسب ضد خلقی زده شده و عامل کشتار  
کمیته انقلاب اسلامی معرفی میگردد  
این امر موجب تیراندازی میان  
پاسداران انقلاب، تعدادی از  
ترکمن‌های در میان جمعیت و در  
خیابان میگردد. در این درگیری  
مسلحانه دو نفر ترکمن کشته و چند  
نفر زخمی میشوند. شهرکه قبلاً  
متشنج بوده و سنگر بندی شده بود  
حالت غیر عادی میگیرد و اوضاع به  
جنگ شهری تکامل مییابد.

در این اوضاع دو "ریو" حامل  
پاسداران انقلاب که از ساری عازم  
گنبد بودند در محلی بنام قورچائی  
خلق شده و به تشدید و خاست  
اوضاع خدمت میکنند. کوششهای  
آیات عظام در حل مسائل به نتیجه  
نمیرسد و گروههای اعزامی مسئله  
ای را حل نمیکند. از جانب  
ترکمن ها قطعنامه‌های ۸ ماده و ۱۷  
ماده‌ای صادر میشود که یکی از  
خواستها، پس دادن گروگانهای  
آنان از جمله ۵ دکتر ترکمن است.  
آتش بس که دو بار در روز ۸ فروردین  
و ۱۰ فروردین اعلام میگردد شکسته  
میشود و جنگ ادامه پیدا میکند و تا  
روزی یکشنبه ۱۲ فروردین تعداد کشته  
شدگان از پاسداران انقلاب به  
حدود ۵۰ نفر و از تراکمه تا ۷۰ نفر  
میرسد. بیماران ترکمن‌ها به گفته  
کمیته‌های شهرهای بندر ترکمن و  
آق قلعه در بیمارستانهای گنبد  
پذیرفته نمیشوند و ترکمن‌ها خود  
به ایجا دبیمارستان در ۲۰ کیلو -

متری شهر دست میزنند و در خود شهر  
هم دوسا ختمانرا بصورت بیمارستان  
در آورده اند. به گفته نیروهای  
ترکمن تاکنون ۵ تا نک و یک هلی -  
کوپتر ارتشی بوسیله‌ی آنان از  
کار افتاده و تصاحب شده اند. در  
۱۲ فروردین نیز نیروهای نظامی  
چند زره پوش و همچنین دو توپوس  
پاسداران انقلاب از صفهان، -  
تهران و مشهد عازم گنبد میشوند.  
اکنون گنبد شهر جنگ زده‌ای -  
است، تا نکها درختها با آنها، مدارس  
بسته، مهاجرت از شهر و تیراندازی  
متقابل نیروهای متخاصم از  
خانه‌ها بیکدیگر.

\* \* \*  
اوضاع کنونی از دو جریان  
بزرگ و متداخل در یکدیگر تشکیل  
شده است. اول - مبارزه‌ی اصیل  
و بحق خلق ترکمن بر علیه ستم ملی  
و دوم توطئه عاملین دوا بر قدرت  
آمریکا و روسیه برای ضربه زدن به  
انقلاب و سرنگونی دولت مرکزی.  
این دو جریان بععلل مختلف  
منجمله نبودن رهبری راستین با  
یکدیگر تداخل پیدا کرده و وضع  
کنونی را بی‌آورد کرده است.

بنظر ما وحدت خلقهای ایران  
بدون مبارزه با ستم ملی بدست  
نمیآید و از طرف دیگر هیچ ملت  
تحت ستمی بدون وحدت با سایر  
خلقهای ایران و مبارزه با دوا بر  
قدرت آمریکا و روسیه به آزادی -  
واقعی دست پیدا نمیکند. چه اگر  
مجموعه‌ی کشور تحت ستم امپریا -  
لیستی باشد هیچ ملیتی نمیتواند  
جداگانه آزاد زندگی کند و از طرف  
دیگر وحدت ملی نمیتواند همراه  
با ستم ملی بر ملیتهای در اقلیت  
برقرار گردد.

تحلیل عمومی سازمان ما در  
مورد این وقایع در اعلامیه بخش  
مازندران، گرگان و گنبد سازمان  
انقلابی عرضه شده است که آنرا در  
همین شماره منتشر کرده ایم.

# اعلامیه

## دست دشمنان انقلاب از مناطق ترکمن نشین کوتاه

اوضاع و احوال انفجار آمیز در مناطق ترکمن نشین، که بدنبال حوادث کردستان اتفاق افتاده و بر اساس شواهد و قرائن موجود در مناطق دیگری مانند بلوچستان و آذربایجان نیز امکان تکرار آن وجود دارد، ایجاب میکند که کلیه نیروهای مترقی و ملی، کلیه اقشار و آحاد ملت ایران و هم چنین دولت مرکزی بدان توجه کامل و جدی بنمایند. در غیر این صورت بروز یک جنگ داخلی برادرکشی، از دست رفتن استقلال تازه بدست آمده و سلطه مجدداً امپریالیسم برمیپوشد ما میتوانیم بدخوبی قابل پیش بینی باشد.

چه عواملی اوضاع کنونی را در ترکمن صحرا دامن زده اند؟ خلق ترکمن، همانند سایر ملیت ها تحت ستم میهن ماطی سالیان طولانی تحت فشار و استعمار شدید زمینداران و سرمایه داران بزرگ و امرای ارتش وابسته به رژیم پهلوی قرار داشته است. رژیم شاه در طی این سالها به غضب زمینهای همیمنان ترکمن ما در این منطقه و واگذاری آن به عناصر وابسته به دربار، امرای ارتش و سایر عمال سرسپردهی خود پرداخته است. در عین حال خلق ترکمن از نظر فرهنگی نیز تحت فشار قرار گرفته و همچنین در اداره امور مربوط به خود کوچکترین نقشی نداشتند. اساساً در مناطق و شهرهای ترکمن نشین افراد غیر ترکمن زمام امور را بدست داشته اند.

بدین ترتیب کاملاً طبیعی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت بر رژیم غاصب محمد رضا شاه، خلق ترکمن در جهت بدست آوردن حقوق خود تلاش نماید. اما انقلاب ما دشمنانی دارد که نمیخواهند بگذارند که خود مسائل و مشکلات ناشی از دهها سال سلطه استبداد و استعمار را حل نمائیم و یکدم از توطئه چینی بخاطر از بین بردن دستاوردهای آن غافل نمیمانند.

در شرایط کنونی که مهمترین و اساسی ترین وظیفه کلیه انقلابیون و میهن پرستان ادامه ای انقلاب در پرتو حفظ دستاوردهای کنونی آن از طریق تقویت دولت موقت و مبارزه بر علیه عمال رژیم سابق و بیگانگان میباشد، این دشمنان خلق برای مقابله با انقلاب به لباس های گوناگونی در میآیند.

هدف آنها از بین بردن وحدت بزرگی که خلق ما در جریان مبارزه بر علیه رژیم شاه بدان دست یافته و از این طریق تضعیف دولت موقت ملی میباشد. با این هدف مشترک، از یک طرف دشمنان سرنگون شده، امپریالیسم آمریکا، بقایای رژیم سابق و عوامل ساواک و از طرف دیگر امپریالیسم روس و عوامل بومی آن سعی در جان نشینی امپریالیسم آمریکا در ایران را دارد، دائماً در تدارک توطئه های جدید و بسنه رنگهای مختلف میباشند.

بقیه در صفحه دوم

## نگاهی به

### شهر صنعتی البرز

شهر صنعتی البرز در قزوین یکی از بزرگترین مجتمع های صنعتی و کارگری ایران بوده و از حدود ۱۵۰ هزار خانه تشکیل شده است. این مجتمع صنعتی اصولاً بدین خاطر در این منطقه ایجاد شده که نیروی کار فراوانی در دهات اطراف وجود داشت، چه اینکه ۸۵ درصد کارگران شهر صنعتی زدهات اطراف آمده اند بخشی از کارخانجات خصوصی و بخشی دیگر دولتی هستند. اکثر کارخانجات از نوع مونتاژ هستند و تعداد کمی بر مواد تولید شده در ایران تکیه دارند. کارخانجات شهر ۳-۴ ماهی اخیر بعلت اعصاب گمرک و کارگران تعطیل بودند و چند هفته ای است که تازه بکار افتاده اند. اما در طی چند ماه آئینده در صورت جلوگیری از ورود این قطعات، تاگزیر به تعطیل خواهند بود. لزوم نوسازی این صنایع بر اساس ملی و بریدن آنها از وابستگی خارج زیکسو و تا مین اشتغال کارگران در این جریان از سوی دیگر، مسئله ای نسبتاً بخرنچ است که در برابر این مجتمع قرار دارد. کارکنان کارخانه ها بطور کلی از سه بخش تشکیل میشوند: کارمندی، سرپرست ها، کارمندان اداری و فنی و کارگران. اختلاف حقوق ها و مزایا تبعیض ها و امتیازات در میان این سه دسته فراوان است.

مثلاً بطور نمونه یکی از کارخانجات را در نظر بگیریم در این کارخانه مدیرعامل ماهی ۳۰ هزار تومان حقوق میگیرد در حالی که عمال هیچ کاری انجام نمیدهد، دفتری در تهران دارد و هفته ای یکروز با ماشین بنز کارخانه و شوفرش سری به قزوین میزند. بعد از پیروزی انقلاب او هنوز در چنین وضع و موقعیتی است. مدیر اداری این کارخانه (که دیپلمه است) حقوق رسمی ۱۲ هزار تومان در ماه است و کسی بقول کارگران هر ماه سه کلی مزایای "پشت لیست" دارد. در حدود ۲۰ نفر انگل هم در تهران در دفتر مرکزی شرکت هستند که حقوقهای گزاف میگیرند و کاری انجام نمیدهند. سایر کارمندان ارشداکشان از بازنشستگان ارتش و دولت هستند که باز دو بوند با رژیم سابق به کارخانه تحمیل شده اند و همه حقوق های گزاف میگیرند. اینها از سایر مزایای کناری نیز برخوردارند. چنین وضعی باعث شده است که کارمندان خواستار تصفیه این عناصر انگل و وابسته به رژیم سابق شوند و بخواهند که از جوانان شایسته ای که بیکار هستند و لیاقت هم ندارند بجای این انگلها در مدیریت نوین پس از انقلاب استفاده شود.

لایه بعدی را کارمندان دفتری و فنی و سرپرستان تولید تشکیل میدهند. اکثریست خوبند و خواهان تغییر حقوق این قشر بین ۶ تا ۸ هزار تومان است. مثلاً یک مهندس این کارخانه ۷ هزار تومان حقوق میگیرد که پس از کسر مالیات و بیمه ۵۵۰۰ تومان بدستش می رسد.

وضع کارگران، این تولید کنندگان اصلی، از همه بدتر

میکنند و روزانه ۲ تا ۳ ساعت صرف رفت و آمدشان به کارخانه میشود. محیط کارخانه سرباز خانه ای است. اگر یک دقیقه دیربیاثی معادل یک ساعت از مزدت کم میکنند. وضع ایمنی بسیار خراب است. بجای کفش ایمنی به کارگران سرپاشی داده اند. غذای ظهر کم است و کارگران را سیر نمیکنند و کیفیت آنهم خراب است. قبلاً غذای سرپرستان با کارگران متفاوت بود اما پس از انقلاب حالا یکی شده است. بیمه درمانی قلابی است و دکتر و داروئی در کار نیست. اصولاً سیاست کارفرما در سالهای قبل چنین بوده است که پس از سه ندادن مزایای که پس از سه ماه کار یک کارگر در کارخانه عاید او میشد، او را قبل از این مدت اخراج میکردند تا این مزایا را به او ندهند. در نتیجه یک جابجایی دائمی کارگران در میان کارخانجات شهر صنعتی البرز وجود داشته است.

هیچ یک از کارخانجات به کارگران مسکن نمیدهند. بیش از ۹۵ درصد از کارگران باید در خارج شهر، در دهات ویا قزوین وغیره، آشیانه ای دست و پا کنند. در حدود ۲۰ درصد شبها به دهان می روند و بقیه در زیرزمینهای خرابه قزوین در یکی دو اتاق با ۵-۴ بچه زندگی میکنند تنها ماهی ۲۰۰ تومان، آنها حق مسکن داده میشود و لسی از همین مقدار ۹۴ تومانش را بابت مالیات می گیرند مالیات و حق بیمه درمانی قلابی هم بالاست. مثلاً از مزد ۲۶۰۰ تومان یک کارگر ماهی ۲۰۰ تومان مالیات میگیرند. و ۱۷۰۰ تومان حق بیمه، در چند سال



# از وحدت خلق

## پاسداری کنیم

استقلال بدون آزادی ممکن نیست  
 آزادی بدون استقلال بی معناست  
 استقلال یعنی تکیه بر نیروی خود  
 جدا از وابستگیها

چند روز پیش به منظور تهیه گزارشی از وضع

چند روز پیش به منظورتیه گزارشی از وضع کارگران بیکار و اخراجی که بوزارت کار رجوع میکنند به آنجا رفته بودیم، با جوان کارگری برخورد کردیم که برای اعتراض به اخراجش از کارخانه به آنجا آمده بود. وقتی قضا یا را جویا شدیم در جواب گفت: من اسماعیل غلامرضائی سهی کارگر کارخانه چینی سازی "ارکیده" واقع در شهر صنعتی لبرز (قزوین) هستم در این کارخانه که در حدود ۶۰۰۰ کارگر دارد در زمان رژیم سابق یکتفریباً زدوبند با رژیم، با اصطلاح "نماینده" کارگران این کارخانه شده بود و بعد از چند مدت عضو فعال حزب شه ساخته "رستا خیز" هم شد و طی سالین گذشته بهیچ وجهی را به آنجا رسانده بود که کارگران را بیاید و یا فریب به تظاهرات تحمیلی رژیم خائن شاه میبرد. او در موقع پرداخت سود ویژه کارگران بابت به اصطلاح "حق نمایندگی" از هر کارگر ۲۰ تا ۵۰ تومان اخذ می کرد و این عمل کثیف را تا بعد از انقلاب و همین دو هفته پیش نیز ادامه داد.

اما حالا این عنصر رستا خیزی پس از پیروزی نهضت اسلامی به ناگهان "مسلمان" شده، ریش گذاشته و قرآن در جیبش میگذارد تا اینکه موقعیت و مقام خود را حفظ کند و زیر من از یک طرف بر علیه خدا و از کارگران در گذشته و حال اعتراض کردم و از طرف دیگر با طرفداره کارگران شروع به نوشتن اسم کارگران بدون خانه کردم. با این پیشینه که مدیرانی که حقوقشان بیش از ۵۰ هزار تومان است و خانه های کارگری را غصب کرده اند، این خانه ها را خالی کنند و آنها را به صاحب اصلی شان یعنی کارگران پس بدهند. این کارهای من مورد غضب این با اصطلاح "نماینده" که همیشه رابطه نزدیکی با مدیران کارخانه - که عوض نشده اند - دارد، قرار گرفت و علیه من توطئه ای چید که من با این اسم نویسی کارگران اقدامی "غیر تشکیلاتی" کرده ام. و لذا "ضد انقلابی" هستم. این برجسب را کسی میزند که تا سال پیش کارگران را به زور به تظاهرات طرفداری از شاه خائن میبرد. اوسپس برای اجرای توطئه خود متوسل به کمیته امام شهر صنعتی البرز شد و آنها هم فریب ظاهر "اسلامی" او را خورده و تحت تاثیر تبلیغات ضد کمونیستی او قرار گرفتند و

مرا از کارخانه اخراج کردند. بدین ترتیب این مزدور با چهره "خدمت به اسلام" ماهیت ضد کارگری خود را پوشانید و موجب اخراج من از کارخانه شد. در یک کلام تنها "گناه" من بر داشتن نقاب او و دفاع از کارگران بوده است. حرفهای این کارگر شریف و مبارز را شنیدیم و قول دادیم که آنها را در "رنجیر" منعکس بقیه در صفحه دوم



## جاودان باد خاطر شهدای خلق

مردم سنندج طی مراسم با شکوهی در روز ۱۱ فروردین از شهدای خلق کرد تجلیل کرده و اعلام سه روز عزای عمومی نمودند. این شهدا در چهار رشنبه شب ۸ فروردین در یک حادثه را زندگی در نزدیکی زنجان شهید شدند. شهدا عبارتند از دکتر روزیری، دکتر فتح الله لطف الله نژاد یان، جمیل سجادی، اسماعیل علی پناهی، فائزه قطبی گلریز قنادی، رشوف کمانگر، فریده ذکریاکی و جمشید زکریاکی. این مبارزین برای انجام خدمات پزشکی به منطقه ترکمن صحرا میرفتند تا همبستگی خلقها ی کرد و ترکمن را مستحکم تر کنند. شهدا در آن در این راه ضایعه ای برای خلقهای ایران بویژه خلق قهرمان کرد است. سازمان ما خود را در غم زدست دادن آنان شریک میدانیم و مطمئن است که خلق کرد مبارزه خود را جهت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای ایران و خود مختاری برای خلق کرد ادامه خواهد داد.

شماره اول

## ستاره سرخ

ارگان تئوریک سیاسی سازمان انقلابی

منتشر شد

گنندگان اصلی، از همه بدتر است. کمی مزد، استثمار رویی حقوقی کامل. در حدود ۱۶۰۰۰ کارگر در این کارخانه کار می کنند. مزد ما هیانه کارگران (که اکثر آنها چند ساعته دارند) بین ۲۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان (کارگران ماهر) است. در دو ماهه تعطیل کارخانه، مدیریت هیچگونه مزد و سود ویژه ای به آنها نداد. در شروع دوباره کار در چند هفته پیش، کارگران از بیرون رفتن جنس تولید شده از کارخانه جلوگیری کردند و مزد دو ماهه خود را خواستند. کمیته محلی امام هر شهر صنعتی البرز نیز از این عمل کارگران حمایت کرد و مدیریت مجبور به عقب نشینی شده و مزد همتا را داد (البته اول میخواستند بجای پول نقد به کارگران جنس بدهد). بالا رفتن مزدها و مزایا از خواسته های اساسی کارگران است.

زنان کارگری بخشی از نیروی کار این کارخانه را تشکیل میدهند. حقوق همه آنها کمتر از مردان است. معمولاً کارگر مرد روزی ۲۵ تومان میگیرد و کارگر زن ۲۸ تومان. آنها از مرخصی با حقوق برای زایمان محرومند و در عوض کار فرما مدت زایمان را برایشان غیبت ناموجه حساب میکنند یا پسای مرخصی سالیانه شان (که ۱۲ روز است) می نویسد. زنان کارگر در موقع کار بچه هایشان را به همسایه ها می سپارند و بار در خانه بردوشان است. آنها ستمدیده ترین قشر اند و بقول یک کارگر زن، "من تا بحال در زندگی ام از خواب سیر نشده ام". عمده ای کارگر زن سالخورده هم وجود دارند که بعلت فقر و فشار زندگی در سالهای پیری مجبورند هر روز کار کنند. ساعات کار ۹ ساعت در روز و مجموعاً ۵۱ ساعت در هفته است. البته وقتی تراکه کارگران صرف کار میکنند در واقع بیشتر است چه اکثریت قریب به اتفاق آنها دردها اطراف زندگی

۲۷۰۰ تومان حقوقی. در مقابل با اصطلاح واحدهای مسکونی برای کارگران ساختند ولی در عمل معاونین کارخانه و سرپرستان از آنها استفاده می کنند. مدیر عامل کارخانه به تنهایی ۳ دستگاه از این آپارتمان های کارگری را اشغال کرده است.

شهر صنعتی البرز دارای سابقه مبارزات کارگری فراوانی بویژه در سالهای اخیر است. مثلاً قبل از خیزش انقلابی سال گذشته در کارخانجات "ایران دو چرخ" و "شیمی پارس" اعتصابات یک پارچه کارگری وجود داشت که بوسیله نیروی پلیس رژیم مزدور شاه سرکوب شد. اعتصابات اساساً خواسته های اقتصادی داشتند و بصورت تحمیل در کارخانه انجام میشدند، سلطه فاشیستی رژیم شاه کارگران را از هرگونه شکل سندیکائی محروم کرده بود. حتی سندیکا های زرد و وابسته به رژیم نیز وجود نداشت. هر کارخانه ای یک نماینده "فرمایشی" داشت که از طرف دستگاه خرید شده بود و کارملادست نشاندند دستگاه طاغوتی و کار فرما بود. اما با خیزش عظیم جنبش اسلامی یکی دو سال گذشته حرکتی نوین در میان کارگران بوجود آمد. اکثریت عظیمی از آنها در جنبش سیاسی شرکت کردند. اما این شرکت بیشتر بصورت فردی بود تا متشکل، اما تعداد نسبتاً قابل توجهی از آنها از فعالین جنبش سیاسی بودند.

مبارزه کنونی کارگران این کارخانه برای طرد نماینده قلبی و مزدور کارگران که همان نماینده دوران سابق بود، فرصت طلبانه لباس عوض کرده است متمرکز شده است. اواز فعالین حزب منحل شده رستا خیز شاه بود و برای بردن اجباری کارگران به تظاهرات فرمایشی همیشه خود شیرینی میکرد، او علاوه بر مزدش ماهی ۵۰ تومان از سود ویژه می گرفته و از هر کارگر نیز بقیه در صفحه سوم